

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۷

## عوامل اثرگذار بر اهمیت نفت شمال در حوزه دریای کاسپین

صالح پرگاری<sup>۱</sup>

کاظم میقانی<sup>۲</sup>

زینب قدمی<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۰

### چکیده:

یکی از موضوعات مهم در بررسی تاریخ معاصر ایران، نفت و مسائل مربوط به آن است. با وجود پژوهش‌های فراوان در زمینه تاریخ نفت ایران، اما حوزه نفت شمال تحت الشعاع نفت بخش‌های جنوبی ایران، نسبتاً کمتر مورد ارزیابی قرار گرفته است. این پژوهش با هدف بررسی بسترها و زمینه توجه قدرت‌ها به نفت شمال و عوامل و نیروهای دخیل در اکتشاف و استخراج نفت این منطقه انجام شده است. مقاله در پی پاسخ‌گویی به پرسش عوامل اثرگذار بر اهمیت یافتن نفت شمال و شرکت‌های فعال در عرصه نفت میادین نفتی حوزه دریای خزر خواهد بود... پژوهشگران ضمن بررسی اسناد و مدارک بازمانده نسبت به موضوع با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و اسنادی در صدد تجزیه و تحلیل داده‌ها و تبیین مسائل مطرح شده در پژوهش خواهند بود.

یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که مطالعات در حوزه نفت شمال پاره‌ای جدا از حوزه نفت جنوب و تحولات کلی در عرصه بین‌المللی نبوده است. رقابت‌های استعمار کشورها در دوره قاجار و دگرگونی‌هایی که در قراردادهای فی مابین به وجود آوردند زمینه حضور بیشتر شرکت‌ها را در نفت شمال فراهم کرد.

**واژگان کلیدی:** نفت، نفت شمال، روسیه، شرکت‌های نفتی، رقابت‌های استعماری.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی pargarisaleh@yahoo.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی mkmathhad@gmail.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی از دانشگاه خوارزمی Z.ghadami70@gmail.com

**۱- مقدمه:**

موضوع نفت در تاریخ معاصر ایران، یکی از مؤلفه‌های مهم در تحولات اقتصادی، سیاسی و گاه اجتماعی در کشور بوده است. از روزی که نخستین چاه نفت در مسجد سلیمان سربرآورد تا کنون، این ماده ویژه در مسائل سیاست خارجی و تحولات داخلی ایران، ارزش و جایگاه خود را به عنوان فاکتوری تعیین کننده حفظ کرده است. پیوستگی میان مقوله نفت و تاریخ تحولات ایران - در دوره معاصر- به گونه‌ای است که تاریخ پژوهان، جامعه‌شناسان، پژوهش‌گران علوم سیاسی و سایر محققان علاقه‌مند به تحولات ایران، برای فهم درست سیاست، اقتصاد و جامعه ایرانی از دوره قاجار به این سو، به آشنایی با سیر تاریخ نفت و فراز و فرودهای آن در زمینه قراردادهای، اکتشافات و غیره نیازمند هستند.

از آنجا که نخستین اکتشافات نفت در حوزه جنوب ایران رخ داد، همچنین با در نظر گرفتن فراخی دامنه این منابع و حضور انگلیسی‌ها و سایر کشورها در جنوب ایران توجه پژوهش‌گران تاریخ معاصر بر این حوزه بوده است. آنان و سایر محققان در زمینه تاریخ نفت ایران، به شمال و سرگذشت نفت در دریای خزر کم‌تر توجه نشان داده‌اند. اما تحولات نفت ایران و اثراتی که بر تاریخ هم‌روزگار ما داشته است، در حوزه‌های شمال و جنوب مانند دو پاره جدا از یکدیگر نیستند. این پژوهش نشان داده خواهد شد، که بسترها و زمینه‌هایی چند بر تحولات نفت حوزه شمال اثر گذاشت. آشنایی با این بسترها و زمینه‌ها به فهم بهتر تحولات نفت در حوزه شمال ایران یاری خواهد رساند. ارزش نفت برای کشورهای استعمارگر در رقابت‌های آنان در ایران و خاورمیانه به عنوان یک برگ برنده عمل می‌کرد. آنان به دنبال گرفتن امتیاز نفت برای پیشی گرفتن از دیگری بودند در این میان نیز چنانچه رجال سیاسی آشنا با فن سیاست و دیپلماسی بودند، از این فاکتور برای دست بالا گرفتن در مذاکرات و نیز کاهش خسارات ناشی از نفوذ استعمارگران می‌توانستند بهره بگیرند.

این پژوهش به دنبال بازشناسی بسترها و زمینه‌های تحولات نفت شمال، رقابت قدرت‌ها در آن برهه از تاریخ معاصر ایران و نیز چگونگی واگذاری امتیاز نفت شمال در دوره قاجار است. همچنین شرکت‌های کاوشگر در نفت شمال را معرفی و بازشناسی خواهیم کرد.

### ۱- جنگ جهانی اول و ارزش نفت:

چند سالی مانده به آغاز جنگ جهانی اول یعنی سال‌های انتهایی دوران صلح مسلح در سال ۱۹۱۱/۱۲۹۰ش تا ۱۹۱۴/۱۲۹۳ش بنابر مفاد سری قرارداد ۱۹۰۷م، قسمت‌های شمالی ایران تحت سلطه روسیه و قسمت‌های جنوبی تحت سلطه انگلستان شده بود<sup>۱</sup> یعنی بی‌توجه به وقوع مشروطیت و سنگ بنای سیاسی جدید حاکمیت ایران نقض شده بود و اوضاع به شکل فوق‌العاده‌ای از کف دولت‌ها که عمر بعضی از آنها به چند ماه نیز نمی‌رسید سخت مغشوش شده بود و بسیار نارضایتی‌های عمومی را فراهم کرده بود. نفوذ روسیه در مناطق شمالی تا آن حد افزون شده بود که بر کابینه‌ها تسلط داشت و منافع خود را به طرز بی‌سابقه‌ای در ایران دنبال می‌کرد.<sup>۲</sup> لذا از زمان روی کار آمدن احمدشاه قاجار بر عرصه قدرت چندی نگذشته بود که جنگ جهانی اول با کشته شدن آرشیدوک «فرانس فردیناند» جانشین امپراتور اتریش به دست جوان صربی به نام گابریل پرنسیب آغاز شد. به این ترتیب دولت‌های روسیه و انگلیس و فرانسه با دولت‌های آلمان و اتریش و مجارستان و ایتالیا به نبرد برخاستند<sup>۳</sup> و موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای که ایران داشت به قول آبرون سایید که آن را شاهراه فرماندهی نامیده است<sup>۴</sup> و نبودن یک حکومت مرکزی، کشور ایران به صحنه رقابت‌ها وارد شد.<sup>۵</sup> ایران در این زمان گرفتار بحران‌های پس از انقلاب مشروطه بود. بحران اقتصادی، وضعیت ناپایدار سیاسی و مداخلات مهار نشده

۱. خلعتبری، تاریخ مختصر زندگانی و خدمات محمد ولیخان خلعتبری، ص ۵۰.

۲. فوران، مقاومت شکننده، ص ۲۹۶.

۳. احمد، نقیب زاده، ص ۱۵۴.

۴. خاطرات سری آبرونساید به انضمام ترجمه متن کامل «شاهراه فرماندهی»، ص ۱۶۶.

۵. فرشاد گهر، سیری در قراردادهای نفتی ایران، ص ۶۷.

قدرت‌های خارجی ایران را تا آستانه یک دولت ورشکسته و وابسته پیش برده بود.<sup>۱</sup> هرچند دولت ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرد.

اما قوای اشغال‌گر توجهی به آن نکرده و از چند طرف کشور را اشغال و در آستانه تجزیه قرار دادند.<sup>۲</sup> لرد کرزن وزیر خارجه بریتانیا با رویکرد تاریخنگاری انگلیسی، در مورد نقش ایران در جنگ جهانی اول می‌نویسد: «گرچه حکومت ایران به ظاهر بی‌طرفی خود را در جنگ اعلام کرده بود ولی دولت و ملت ایران تا آنجا که توانستند به فعالیت‌ها و دسیسه‌های دشمنان ما در خاک کشورشان کمک کردند و وضع عمومی ایران تحت تأثیر علل و عوامل متعدد که برخی از آن‌ها ناشی از تبلیغات مضر آلمان‌ها برخی دیگر معلول حمله نظامی ترک‌ها به ایران و قسمتی هم معلول خصومت خود حکومت ایران نسبت به متفقین (روسیه و انگلیس) بود چنان سخت و حساس گردید که ما برای حفظ امنیت مرزهای افغان و نیز برای حفاظت از منافع مستقیم خود و متفقینمان در ایران ناچار شدیم از همان آغاز امر این کشور را (در عین بی‌طرفی) تقریباً به شکل صحنه ای از صحنه‌های مهم جنگ جهانی تلقی کنیم».<sup>۳</sup>

توسعه عملیات نفتی که مورد نیاز نیروی دریایی بریتانیا و نظامی‌های این کشور در منطقه خاورمیانه بود در این سال‌ها آغازین جنگ، بود نهایت توسعه و استخراج را داشت. اولین چاه نفتی که در سال ۱۹۱۲ م. در معادن جنوب حفر گردید به صورت خام صادر شد ۴۳۰۰۰ هزار تن بود. در زمان جنگ اول جهانی شرکت نفت مسجد سلیمان نفت را از طریق لوله‌ای از میدان نفتی مسجد سلیمان به آبادان که دارای پالایشگاه مناسبی تأسیس شده بود انتقال می‌داد که می‌توانست کمک با ارزشی به دولت انگلستان و متفقین بنماید.<sup>۴</sup>

صادرات نفت ایران تا سال ۱۹۱۳ م به تأخیر افتاد زیرا برای فرستادن نفت به دریا نیاز به خطوط لوله و پالایشگاه بودند و این کار سرمایه‌گذاری کلان زمان طولانی لازم داشت. موقعی که در

۱. ترابی فارسانی، تجار مشروطیت و دولت مدرن، ص ۲۸۴.

۲. آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ص ۱۱۵؛ کتاب سبزی‌طرفی ایران، ص ۹.

۳. اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرار داد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ص ۲۴.

۴. فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۲۶۲؛ علم، نفت، قدرت و اصول پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد، ص ۳۷.

سال ۱۹۱۱م وینستون چرچیل به مقام لرد اول دریا داری رسید. تصمیم گرفت که نیروی دریائی انگلستان را تقویت کند که در جنگ جهانی نیروهای دریایی انگلیسی‌ها از آلمانی‌ها قوی‌تر باشند. در این زمان استفاده از نفت به منظور سوخت در کشتیرانی شروع شده بود؛ بنابراین چرچیل تصمیم گرفت شرکت انگلو پرشن را تحت اختیار دولت انگلستان درآورد و بدین ترتیب لرد گدمن را در راس هیاتی به ایران فرستاد و سرانجام در ۱۹۱۴ تنها شش روز پیش از آغاز جنگ اول جهانی قانونی در انگلستان تصویب و اجرا شد که به موجب آن دو میلیون سهم از سهام شرکت با حق رای پنجاه درصد از سهام و حق تعیین دو نفر مدیر به دولت واگذار شد؛ و کمپانی به موجب یکی از مواد قرار داد فیما بین تعهد تأمین سوخت دریاداری را به قیمتی نازل بر عهده گرفت. دولت انگلستان برای بدست آوردن نفت ایران مبلغ دو میلیون و دویست هزار لیره سرمایه گذاری کرد.<sup>۱</sup> ملاحظه می‌شود منافع جهانی بریتانیا و برتری نظامی سیاسی آن بر دول متحد اروپایی یعنی آلمان و اطریش و دیگران چقدر بر بهره جویی‌های بی حد و حصر از منابع نفتی جنوب ایران استوار بوده است.

## ۲- اهمیت نفت شمال:

سرزمین ایران از لحاظ معادن زیر زمینی بسیار غنی است. هر جای فلات ایران را مورد بررسی و کاوش قرار دهیم نه تنها در سطوح اولیه با فلزات و کانی - های گرانها روبرو می‌شویم بلکه اگر به عمق برویم با منابع عجیب نفت و گاز روبرو می‌شویم یکی دیگر از نقاط پرمعدن نفت و گاز دریای شمال (کاسپین) و محیط اطراف آن در همه جهات طبیعی است که بخشهایی از مناطق غربی در شمال ارس قدری زودتر مورد بهره‌برداری ایرانیان و سایر افراد شده است. هرگاه منابع نفتی شمال را که عبارت است از آذربایجان، آستارا و خراسان است با معادن نفتی جنوب مقایسه می‌کنیم بایستی اهمیت معادن نفت شمال را در مقابل نفت جنوب بدانیم. مطابق تفحصات و تجسساتی که مهندسین روسی به عمل آورده‌اند معلوم شده است که در اغلب این نقاط منابع

۱. موحد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، ص ۳۱-۳۲.

و مخازن تحت الارضی نفت موجود می‌باشد، اراضی سواحل جنوبی دریای شمال (کاسپین) به اندازه ای دارای نفت است که علی‌الاصول چشمه‌های نفتی از قعر آب فوران نموده و سطح آب دریا را از یک طبقه روغن می‌پوشاند. مخصوصاً در جلگه‌های اهر و قراچه داغ با اندازه‌ای نفت است که در بعضی جاها این مایع اراضی را به باتلاق‌های معظمی تبدیل نموده و عموم اهالی بدون هیچگونه مصارفی می‌توانند از آن استفاده بنمایند. روس‌ها هنگام تفحصات در آذربایجان و علی‌الخصوص قراچه داغ هشت قسم معادن ذی‌قیمت کشف نموده‌اند، که از همه مهم‌تر معادن نفت می‌باشد مخصوصاً در همین اواخر موفق مراسله محرمانه پیکی از محترمین طهران رسیده بود معلوم شد که در یکی از دره‌های اطراف اهر یک چشمه جاری نفت پیدا شده بود و به همین نویسنده مراسله به اصرار تمام آن شخص را به گرفتن امتیاز معادن نفت قراچه‌داغ وادار نموده بود. اراضی آستارا، گیلان، تنکابن، مازندران و استرآباد تماماً محل‌هایی هستند که سرشار از منابع نفت می‌باشند.<sup>۱</sup>

شاهان قاجار به علت ناآگاهی از وضع سیاسی و بین‌المللی، امتیازاتی را به دولت‌های بیگانه و افراد مطیع اوامر خود دادند تا بر طبق این روش هم هزینه‌های سفر خود را مهیا کنند و هم خوشگذرانی کنند اما غافل از اینکه واگذار کردن چنین امتیازاتی برای دولت ایران خساراتی به بار می‌آورد به همین خاطر که از دوران قاجار، به عنوان عصر امتیازات نام برده‌اند.<sup>۲</sup> نخستین امتیاز بهره‌برداری از نفت ایران در عهد ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۴۴ ه.ق) به دولت‌های خارجی داده شد و پس از آن امتیازات دیگری به دولت‌های بیگانه داده شد که می‌توان از جمله امتیاز رویتر، هوتس و نفت شمال اشاره کرد.<sup>۳</sup>

در بهمن ماه ۱۲۷۴ ش، شعبان ۱۳۱۳ ه.ق با امضای فرمان ناصرالدین شاه اجازه استخراج نفت شمال در محال ثلاثه، تنکابن، کجور و کلارستاق (مازندران) به محمد ولی‌خان خلعتبری که در

۱. روزنامه نهضت شرق، شماره ۱۱، ۲۶ جمادی الاول ۵/۱۳۴۰ داو ۲۵/۱۳۰۰ ژانویه ۱۹۲۲، شماره ۱۱، ص ۱.

۲. تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ص ۱.

۳. میرترابی، مسائل نفت ایران، ص ۴۱.

آن زمان لقب نصرالسلطنه را داشت و بعدها القاب سپهدار و سپه‌سالار اعظم به او داده شد.<sup>۱</sup> خوشتاریا که اهل گرجستان و از اتباع روسیه بود در سال‌های خلال جنگ جهانی اول ۱۹۱۶م/۱۲مارس ۱۲۹۵ اجازه‌نامه‌ای را که قبلاً ناصرالدین شاه به محمد ولیخان خلعتبری درباره استخراج نفت شمال ایران داده بود از او خرید و نامبرده قراردادی درباره امتیاز استخراج نفت شمال ایران که در آن زمان رئیس الوزرا شده بود، امضا کرد با وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه خوشتاریا که می‌دانست نمی‌تواند از این قرار داد قلابی استفاده کند درصدد فروش آن به شرکت نفتی اروپایی برآمد.<sup>۲</sup> خوشتاریا تا سال ۱۹۳۰/۱۲۹۹ که کمپانیهای آمریکایی به نفت ایران علاقه‌مند شدند اقدامی برای استفاده از این امتیاز انجام نداد.<sup>۳</sup> این امتیاز که از طرف دولت به یک تبعه خارجی واگذار شده بود می‌بایست به تصویب مجلس برسد، در ایام جنگ امتیاز مزبور برای تصویب به مجلس ارائه نشد و کابینه صمصام السلطنه هم که بعد از کابینه سپهدار اعظم روی کار آمد امتیاز خوشتاریا را از درجه اعتبار ساقط دانست.<sup>۴</sup> خوشتاریا ابتدا به شرکت‌های فرانسوی و هلندی پیشنهاد خرید امتیاز مزبور را داد ولی آنها با اطلاع از اینکه امتیاز فاقد اعتبار است از خرید آن خودداری کردند.<sup>۵</sup>

### ۳- قرار داد ۱۹۱۵ و دگرگونی اندک در حوزه نفوذ استعمارگران در ایران:

ضرورت‌های توافقات اتحاد و اتفاق مثلث کشورها و دول اروپایی را برآن داشت که هر چه سریع تر در توافقات سری قبلی تجدید نظر به عمل آورد بدیهی است با توجه به جایگاه و نقش ژئوپولیتیکی ایران که به قبله عالم تعبیر شده است تصمیمات تازه‌ای برای ممالک محروسه ایران

۱. فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۲۶.

۲. طلوعی، بازی قدرت جنگ نفت در خاورمیانه، ص ۱۴۸.

۳. یسلسون، تاریخ روابط سیاسی ایران و امریکا، ص ۲۶۸.

۴. ذوقی، مسایل سیاسی-اقتصادی نفت ایران، ص ۹۲.

۵. طلوعی، بازی قدرت جنگ نفت در خاورمیانه، ص ۱۴۸؛ ذوقی، همان‌جا؛ بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی انقراض قاجاریه، ص ۱۹۶-۱۹۷.

بگیرد.<sup>۱</sup> از آنجا که دولت ایران در زمان سلطنت ناپایداری احمدشاه وضعیت ناامید کننده‌ای داشت به طوریکه در بین سال‌های ۱۹۰۹م- ۱۹۲۱م/۱۲۸۸-۱۳۰۰ش بیش از نزدیک پانزده بار و بیش از پنجاه بار نفرات کابینه عوض شد.<sup>۲</sup> در سال ۱۹۱۴م، درست در همان زمانی که ایران اعلام بی‌طرفی کرده بود، اما توانایی حفظ بی‌طرفی را نداشت.<sup>۳</sup> ارتش عثمانی به نمایندگی متحدین برای حفظ مسئله شرق نواحی آذربایجان ایران و همچنین تبریز را اشغال و پس از مدتی در ژانویه ۱۹۱۵ اما نواحی گفته شده توسط دولت تزاری از عناصر تشکیل دهنده متفقین اشغال شد.<sup>۴</sup> روسها از بریگاد قزاق در ایران استفاده نموده و انگلیسی‌ها تفنگداران جنوب را به سرپرستی سایکس تشکیل دادند.<sup>۵</sup> در ۱۸ مارس ۱۹۱۵، هشت ماه پس از شروع جنگ، روسیه، فرانسه و بریتانیا قراردادی امضاء شد که روسیه علاوه بر تصرف اسلامبول، بر ساحل غربی بسفور، دریای مرمره و داردانل، تورس جنوبی، و ... نیز مسلط شود. روسیه نیز به نوبه خود اسلامبول را به عنوان یک بندر آزاد برای متفقین باقی گذارد، علاوه بر این، امتیازات خاصی برای هر یک از دولتهای فرانسه و بریتانیا در متصرفات آسیائی عثمانی برسمیت بشناسد.<sup>۶</sup>

بر مبنای قرارداد ۱۹۰۷م، برخی از مناطق نفتی، در حوزه نفوذ روسها قرار گرفته بود مانند مناطق قفقاز شمالی و جنوبی و حوزه‌های شمال غربی ایران و حتی کناره‌های دریای شمال، که این موجب شد بین روسیه و بریتانیا در سطح بین‌المللی توافقاتی صورت گیرد و به قرار داد ۱۹۱۵م منجر شود لذا بر طبق قرار داد ۱۹۱۵م، تغییراتی در مناطق بی‌طرف مربوط به قرارداد ۱۹۰۷م به وجود آمد و حوزه‌هایی از این قلمرو به مناطق تحت نفوذ طرفین اختصاص یافت و

۱. فولر، قیله عالم ژئوپلیتیک ایران، ۱۶۰-۱۶۸.

۲. فوران، مقاومت شکننده، ص ۲۹۷؛ زرغام بروجنی، دولت‌های عصر مشروطیت، ص ۸۷-۱۰۰.

۳. فرشاد گهر، سیری در قراردادهای نفتی ایران، ص ۶۷.

۴. ایوانف، تاریخ ایران نوین، ص ۲۶.

۵. فرشادگهر، سیری در قراردادهای نفتی، ص ۶۷؛ سفیری، پلیس جنوب ایران (اس. پی. آر)، ص ۲۵؛ راضی، پلیس جنوب

ایران، ص ۴۰.

۶. بهار، میراث خوار استعمار، ص ۵۴۰.



به دولت انگلیس حق داده شد که فعالیت‌های نظامی در مناطق جدید تحت نفوذ خود، دست به اقدامات تازه‌ای بزند؛ و فعالیت‌های خود را گسترش دهد.<sup>۱</sup>

#### ۴-قرار داد ۱۹۱۹:

زمانی که جنگ جهانی اول به پایان رسید سیاستمداران انگلیسی در پی راه‌هایی برآمدند تا بتوانند موقعیت خود را در ایران پایدار نگه دارند.<sup>۲</sup> باقر عاقلی می‌گوید: «لرد کرزن در مدت ۷ سالی که نایب السلطنه هندوستان بود به اهمیت ایران به عنوان دروازه هندوستان پی برده بود و معتقد بود در فرصتی مناسب است که سیاست‌های امپریالیستی و توسعه‌طلبی خود را در ایران اجرا کند و ایران را به یوغ اسارت انگلستان درآورد».<sup>۳</sup> در زمان خرابی اوضاع و فقر خزانه، علائم شکست متحدین و قوت متفقین در میدان‌های جنگ نمودار گردید.<sup>۴</sup> این جنگ با پیروزی متفقین به پایان رسید.<sup>۵</sup>

تمام ولایات در حوزه نفوذ روسیه به موجب پیمان قسطنطنیه ضمیمه خاک روسیه تزاری می‌شد و بقیه به قلمرو انگلستان اضافه شد، اما حادثه‌ای رخ داد که ایران از این وضعیت رهایی پیدا کرد این حادثه انقلاب روسیه و سقوط رژیم تزاری بود.<sup>۶</sup> انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه نقشه تقسیم ایران را از بین برد در هر قسمتی از ایران حادثه‌ای رخ داد بهار در کتاب مختصر احزاب سیاسی می‌گوید: «بدبختی از هر طرفی روی آورد، بغداد سقوط کرد، اس پی ار «پلیس جنوب» بوجود آمد خراسان از طرف سپاه انگلیسی‌ها اشغال گردید، از این سو هم طغیان میرزا کوچک

۱. گارثویت، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ص ۲۳۵؛ لیتن، ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹)، ص ۳۲۶-۳۲۷.

۲. بیدانی، کودتاهای ایران، ص ۱۹۱.

۳. عاقلی، نصرت الدوله، فیروزاز رویای پادشاهی تا زندان رضا شاهی، ص ۵۶.

۴. بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران انقراض قاجاریه، ص ۲۹.

۵. فروغی، یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸-اوت ۱۹۲۰، ص ۴۸۶؛ نقیب

زاده، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان وستفالی تا به امروز، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۶. بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران انقراض قاجاریه، ص ۱۶.

خان در گیلان و خیابانی در آذربایجان و سایر یاجیان در کاشان و اصفهان دولت مرکزی را ضعیف ساخت»<sup>۱</sup>.

در سراسر جنگ جهانی روس و انگلیس بر پایه‌ای بی‌اساس با وزرای که شاه به روی کار آورده بود مذاکره انجام دادند و قانون اساسی به صورت موقتی به حالت تعطیل درآمده بود، با عقب رفتن روس‌ها از تهران و وقوع انقلاب و اوضاع نا به سامان در روسیه، روی کار آمدن یک نخست‌وزیر ظاهراً طرفدار دولت بریتانیا که از دولت یارانه دریافت می‌کرد همان وثوق الدوله زیرک، چنین به نظر می‌رسید که در سال ۱۹۱۸م (۱۳۹۷. ه. ش) نفوذ بریتانیا در ایران افزایش پیدا کرده بود<sup>۲</sup> و تمام دستگاه‌های انگلیسی‌ها در ایران به نفع او مشغول فعالیت بودند تا به حدی بود که انگلستان برای احمدشاه جوان ماهانه ۱۵ هزار تومان مقرری تعیین کرده بود در آن زمان لرد کرزن و سرپرسی کاکس کوشیدند تا از ایران منافع بیشتری عاید دولت انگلستان بکنند.<sup>۳</sup> دولت بریتانیا در اوائل سال ۱۳۳۶/۱۹۱۸ برای پر کردن خلاء حاصل از خروج نیروهای روسیه، قوای جدیدی را به مناطق شمال غربی و شمال شرقی کشور گسیل داشت این قوای نظامی از طریق بندر انزلی به طرف باکو رفت تا دفاع محلی را سر و سامان داده و از دست‌یابی دشمن به منابع نفتی باکو ممانعت ورزد.<sup>۴</sup> در نخستین روزهای ورود کاکس و وثوق الدوله دولت خود را بازسازی کرد، صارم الدوله را به وزارت مالیه و سپهدار اعظم رشتی را به وزارت جنگ و نصرت‌الدوله فیروز را به عنوان وزیر عدلیه معرفی نمود. بیشتر دموکرات‌ها از وثوق الدوله و کابینه‌اش ناراضی بودند و درکنار کابینه صمصام‌السلطنه و دیگر اعضای کابینه قبلی با آنها به

۱. بهار، همان، ص ۲۸؛ رحمانیان، ایران بین دو کودتا، ص ۱۹-۲۰.

۲. آوری، تاریخ ایران دوره پهلوی (از مجموعه تاریخ کمبریج)، ص ۱۵.

۳. منشور، گرکانی، رقابت شوروی و انگلیس در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۱ خورشیدی، ص ۵۳ و، فروغی، یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی از سفر کفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸-اوت ۱۹۲۰، ص ۲۳.

۴. زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ص ۴۸؛ پورآرین، انقلاب فراموش شده دولت‌های عصر مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ برنامه‌ها و دشواری‌ها، ص ۴۶۱-۴۶۲.

دشمنی پرداختند.<sup>۱</sup> کاکس در اوایل با جدیت تمام در اندیشه نوعی قیمومیت بود اما این فکرش به جایی نرسید علاوه بر نگرانی از ناحیه آمریکا و فرانسه که احتمال می‌رفت آشکارا با نقشه مخالفت کنند، حکومت هند هم آن را غیر عملی می‌دانست. آشکار نیست چه چیزی کاکس و کرزن را از فکر قیمومت منصرف ساخت. اما در گفتگوهای بین کاکس، وثوق و فیروز، محتوای قرارداد ۱۹۱۹م بین انگلیس و ایران به مرور شکل گرفت.<sup>۲</sup> انگلیسی‌ها برای راحت‌تر شدن انجام امضای قرارداد مبلغ ۴۰۰ هزار تومان (که به پول آن زمان مبلغ بسیار زیادی می‌شد) بین سه وزیر به شرح زیر تقسیم کرده بودند: نخست‌وزیر (وثوق الدوله) ۲۰۰,۰۰۰ تومان، وزیر خارجه (شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله) ۱۰۰,۰۰۰ تومان، وزیر دارائی (شاهزاده اکبر میرزا صارم الدوله) ۱۰۰,۰۰۰ تومان.<sup>۳</sup>

قبل از تقسیم این پول‌ها، از لندن به سرپرسی کاکس دستور داده شد حتی المقدور چانه بزند تا شاید حق العمل وزرای رشوه‌گیر را تقلیل بدهد که در سند شماره ۱۶ کتاب جواد شیخ الاسلامی آورده شده است؛ اسناد محرمانه (۷۲۰ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا) تلگراف مورخ چهاردهم اوت ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس به لرد کرزن: عطف به تلگراف خصوصی عالیجناب به دوستدار. «حد اعلائی موفقیتی که در این کار نصیب شد پائین آوردن مبلغ مورد مطالبه به چهارصد هزار تومان بود که معادل است با- ۱۱/۹-۱۳۱/۱۴۷ لیره (یکصد و سی و یک هزار و صد و چهل و هفت لیره و یازده شلینگ و نه پنس انگلیسی). درخواست کرده‌ام پرداخت این مبلغ به همان ترتیبی که تاکنون معمول بوده توسط بانک شاهی در لندن صورت گیرد. از لحاظ رعایت انصاف، این موضوع را باید محرمانه به اطلاعاتان برسانم که در قضیه مطالبه پول، خود وثوق-الدوله آن قدر پافشاری نداشت که آن دو وزیر دیگر (نصرت الدوله و صارم الدوله) که حقیقتاً جانم را به لب

۱. پورآرین، همان، ص ۴۷۰.

۲. غنی، ایران برآمدن رضاخان برفاقتان قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ص ۴۸.

۳. شیخ الاسلامی، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹، ص ۱۸؛ تقی‌زاده، زندگی طوفانی خاطرات سید حسن تقی‌زاده، ص ۱۹۴.

آوردند. نخست وزیر چون احساس می کرد موقعیت سیاسی اش آن قدر قوی نیست که با این دو در بیفتند و آن ها را از خود برنجانند، ناچار به نظرشان (که پول می خواستند) تسلیم شد.<sup>۱</sup> سرانجام قرارداد منعقد شده بین وثوق الدوله و کاکس روز ۹ اوت ۱۹۱۹م مطابق با ۱۷ مرداد ماه ۱۲۹۸ به امضاء رسید. فردای روز بعد وثوق الدوله طی اعلامیه ای قرارداد امضاء شده بین ایران و انگلیس را فاش ساخت.<sup>۲</sup> متن قرارداد ۱۹۱۹م طوری تنظیم شده بود که در نگاه اول هیچ گونه سوء نیت یا قصد و غرض خاص، از آن استنباط نمی شد. ظاهر سند چیزی جز این نشان نمی دهد که دولت بریتانیای کبیر با کمال «حسن نیت و بی غرضی» و با همان نیت «خدمت به نوع» که یکصد پنجاه سال پیش راهگشای تسلطش بر هندوستان گردید، این دفعه حاضر شده است که در نوسازی دستگاه مالی و اداری ایران به ایرانیان کمک کند و دفاع از حاکمیت سیاسی و استقلال کشور ایران را به دست خود مردم کشور، فراهم کند.<sup>۳</sup> در این تحلیل ها بوی دفاع از انگلیس به مشام می رسد.

طبق قرارداد بریتانیا گروهی مستشار مالی از جمله یک خزانه دار کل به ایران فرستاد که هرگونه هزینه و پرداخت وجه زیر نظر آن ها انجام می گیرد مستشاران هم عملاً نیروهای مسلح را اداره می کنند. مستشارانی هم در سایر وزارت - خانه ها از جمله وزارت عدلیه، داخله، فلاح و فوائد عامه به کار می پردازند. از آن جا که ترتیبات پیشنهادی از نظر زمان نامحدود است و زمان ثابت و دقیقی ندارد، در واقع تنها بریتانیاست که می تواند هر وقت که بخواهد آن را خاتمه دهد.<sup>۴</sup> متن قرارداد و ضمیمه سرپرسی کاکس به شرح زیر است:

۱. شیخ الاسلامی، همان، ص ۴۶-۴۷؛ سایکس، تاریخ ایران، ص ۷۲۳-۷۲۵.

۲. عاقلی، نصرت الدوله فیروز از رویای پادشاهی تا زندان رضاشاهی، ص ۵۹؛ عاقلی، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۱۳۲- مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ص ۳۷.

۳. شیخ الاسلامی، سیمای احمدشاه قاجار پس از گذشت هفتاد سال از عقد قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ص ۱۸۸؛ زیبا کلام، رضاشاه، ص ۴۸-۴۹.

۴. غنی، ایران برآمدن رضاخان برفاقتان قاجار و نقش انگلیسی ها، ص ۴۸.

۱- دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمام‌تر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار می‌نماید. ۲- دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد، به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد؛ این مستشارها با کنترات، اجیر و به آنها اختیارات متناسبه داده خواهد شد؛ کیفیت این اختیارات بسته به توافق بین دولت ایران و مستشارها خواهد بود. ۳- دولت انگلیس به خرج دولت ایران صاحب منصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکلی که دولت ایران آن را برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد.

۴- برای تهیه وسایل نقدی لازمه به جهت اصلاحات مذکور در ماده ۲ و ۳ این قرارداد، دولت انگلستان حاضر است که یک قرضه کافی برای دولت ایران تهیه یا ترتیب انجام آن را بدهد؛ و تضمینات این قرض با توافق نظر دولتین از عایدات گمرکات یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تعیین می‌شود. تامدتی که مذاکرات استقراض مذکور خاتمه نیافته، دولت انگلستان به‌طور مساعده وجوهات لازمه‌ای که برای اصلاحات مذکوره لازم است خواهد رسانید.

۵- دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تأمین و توسعه تجارت و جلوگیری از قحطی در مملکت می‌باشد، حاضر است که با دولت ایران موافقت نموده و ...  
۶- دولتین توافق می‌نمایند درباب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته‌ای که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدید نظر نموده و با منافع حقه مملکتی و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نماید.<sup>۱</sup>

در ارتباط احمد شاه با موافقت یا مخالفت وی با قرارداد ۱۹۱۹ یک سند از کتاب اسناد وزارت خارجه اکتفا می‌شود: نامه مورخ نهم اوت / ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس به وثوق الدوله است. در کتاب

۱. پورآرین، انقلاب فراموش شده دولت های عصر مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ برنامه ها و دشواری ها، ص ۴۸۳-۴۸۴.  
آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۴۲؛ مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ص ۴۰-۴۱.

اسناد وزارت خارجه سندی موجود است که بیان می‌کند موافقت یا مخالفت احمد شاه را با قرار داد ۱۹۱۹ بیان می‌کند

«عالیجناب، عطف به قراردادی که امروز میان دولتین ایران و انگلیس امضاء شد و هدفش اجرای اصلاحات اساسی در ایران است، افتخار دارم طبق تمایل عالیجناب، نتیجه مکاتباتی را که با حکومت متبوعم درباره شخص اعلی حضرت سلطان احمدشاه انجام داده‌ام به استحضار برسانم. دولت متبوع من مطالبی را که عالیجناب، بنام اعلی حضرت پادشاه ایران به دوستدار ابلاغ فرمودید، با کمال دقت و همدردی مورد بررسی قرار داده‌اند و اینک پاسخ آنها:

کابینه انگلستان چنین نظر داده‌است که جلب موافقت مجلس شورای ملی انگلیس با آن قسمت از درخواست اعلی حضرت که یک مقرری ثابت مادام العمر به ایشان پرداخت گردد؛ عملاً غیرممکن است. اما در مقابل، دولت متبوع من حاضر است، پرداخت مقرری فعلی اعلی حضرت را کماکان ادامه دهد. مشروط بر اینکه معظم له از صمیم قلب حامی کابینه عالیجناب باشند و آن را بر سر کار نگهدارند.

صرف نظر از اطمینان‌هایی که تا به حال داده شد، اجازه می‌خواهم این نکته را نیز شخصاً اضافه کنم که اعلی حضرت می‌توانند کاملاً از حیث احساس امیدواری و قوت قلب کنند که پس از آنکه وضع مالی ایران تحت قرارداد جدید سروسامانی پیدا کرد، شخص مقام سلطنت و کارمندان دربار ایشان بالمال از این افزایش درآمد داخلی سهمی شایان و قابل ملاحظه خواهند برد».<sup>۱</sup>

بعد از انتشار قرارداد موجهی از مخالفت و موافقت بر علیه قرارداد آغاز شد، انتشار قرارداد بازتاب گسترده‌ای در جهان پیدا کرد.<sup>۲</sup>

احساسات مردم در آستانه امضای قرارداد ۱۹۱۹ نسبت به روسیه بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م: اما عواطف و نظرات مردم ایران نسبت به روسیه در طی آن دو سال اول پس از انقلاب اکتبر یعنی در آستانه قرارداد ۱۹۱۹ به کلی با وضع سی سال پیش که کوزن به ایران سفر کرده بود فرق

۱. اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹، سند شماره ۴، ص ۳۰-۳۱.

۲. عاقلی، نصرت‌الدوله فیروزاز رؤیای پادشاهی تا زندان رضا شاهی، ص ۶۷.

داشت، در این دوره جدید روسها از احساس همدردی ملت‌های رنج‌دیده شرق بهره‌مند بودند و با چشم پوشی از امتیازات سابق تزاری در خاور دور و شرق نزدیک، محبوبیتی در چشم ملل این منطقه کسب کرده بودند؛ که نظیرش (لااقل در ایران) ندیده بودند.<sup>۱</sup> بهار در این مورد می‌گوید: «..... مسیو «براوین» از طرف لنین بزرگ با مواعیدی بسیار دوستانه وارد تهران شد و از طرف ما و حزب ما و جراید ما پذیرائی گرمی از وی به عمل آمد، جراید دموکرات از انقلاب لنین بسیار تمجید می‌کردند و بدوستی آن دولت امیدوار بودند».<sup>۲</sup>

قرارداد ۱۹۱۹ در چشم ایرانیان به حق سند تحت‌الحمایگی کشورشان به‌شمار می‌آمد. درحالی که از دید کرزن -طراح این قرار داد- این پیمان به عنوان تقویت بنیه مالی و نظامی ایران به‌شمار می‌رفت. بنا به برداشت کرزن، این قرارداد ایران را با آن موقعیت سوق الجیشی، ثروت عظیم نفت و امکانات سرمایه‌گذاری سودمند از زوال و توطئه بلشویسم به کمک بریتانیا رهایی می‌بخشید.<sup>۳</sup> این بیت سعدی، ارزیابی مناسبی از سخن کرزن به دست می‌دهد:

که از چنگال گرگم در ربودی      چو دیدم عاقبت خود گرگ بودی<sup>۴</sup>

کرزن به هیچ وجه درک نکرده بود که بعد از جنگ اول جهانی جای روسیه و انگلیس عوض شده است. کرزن بر مبنای همان تصور سی سال پیش فکر می‌کرد که اکثر ملت ایران که دولت بریتانیا را بر دولت روسیه در کشورشان ترجیح می‌دهند.<sup>۵</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. شیخ الاسلامی، سیمای احمدشاه قاجار، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۲. بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ص ۲۹.

۳. ابراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۴۲.

۴. سعدی، گلستان، ص ۸۸.

۵. شیخ الاسلامی، سیمای احمدشاه قاجار، ص ۲۰۱.

## ۵- شرکت‌های کاوشگر نفت در شمال ایران:

### ۵-۱- استاندارد اویل<sup>۱</sup>:

وزیر مختار ایران (اسم وزیر مختار) در واشینگتن به دولت آمریکا اطلاع داد که احتیاج دولت ایران به کمک‌های مالی انگلستان محظوراتی برای آن‌ها ایجاد کرده‌است و این شرایط را دولت آمریکا می‌تواند به آسانی تغییر دهد اگر وامی به مبلغ ده میلیون دلار به دولت ایران بدهد پرداخت. چنین وامی از سوی دولت آمریکا راه را برای اعطای امتیاز نفت و هم‌چنین استخراج سایر معادن به شرکت‌های داده خواهد شد. بعد از اینکه دولت ایران با شرکت استاندارد اویل وارد مذاکره شد قراردادی را در پنج ماده با شرکت امضا نمود نخست‌وزیر وقت قوام‌السلطنه در تاریخ ۲۹ آبان ماه ۱۳۰۰ ه.ش (۱۹۲۱ م) لایحه‌ای را برای واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت استاندارد اویل به مجلس تقدیم نمود، مجلس آن را در پنج ماده به تصویب رساند.<sup>۲</sup>

ماده اول: مجلس شورای ملی واگذاری امتیاز استخراج نفت را در ایالات آذربایجان و خراسان و گیلان و استرآباد و مازندران به کمپانی استاندارد اویل آمریکایی به شرایط ذیل تصویب می‌نماید.

ماده دوم: مدت این امتیاز بیش از پنجاه سال نخواهد بود. ماده سوم: حقوق دولت بیشتر از صدی ده کلیه نفت و مواد نفتی است که کمپانی از چاه‌ها خارج می‌نماید قبل از آنکه هرگونه خرجی به آن تعلق بگیرد. ماده چهارم: شرایط دیگر این امتیاز از قبیل تسعیر سهم دولت در صورتی که دولت صلاح بداند و طرز تأدیه آن و طرز نظارت دولت ایران و عواید کمپانی و شرایط ابطال کننده امتیاز و سایر شرایط لازم برای حفظ حقوق دولت و مملکت را دولت تهیه و پس از توافق نظر با کمپانی مزبور به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود. با این بند اختیار نفت کمپانی قرار گرفت و کمپانی اگر صلاح می‌دانست می‌توانست بخشی از سهم ایران را مثلاً تأدیه کند یعنی ثروت ایران در اختیار کمپانی تقریباً بدون شرط و شروط قرار می‌گرفت

1. Standard oil company

۲. مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، بخش نخست، جلسه ۴۳، ص ۲۶۷-۲۶۳- فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۳۳؛ اسنادی از امتیاز نفت شمال (۱۳۰۰-۱۳۰۳ ه.ش)، ص ۱-۲.



ماده پنجم: کمپانی استاندارد اوپیل نمی‌تواند به هیچ دولت یا کمپانی یا شخصی انتقال بدهد و همچنین شراکت با سرمایه‌داران دیگر منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران است. عدم رعایت این ماده باعث سقوط امتیاز از درجه اعتبار خواهد بود.<sup>۱</sup> بعد از اینکه امتیاز توسط مجلس تصویب شد دولت‌های انگلستان و روسیه دست به اعتراض زدند اما نتیجه‌ای در برنداشت شرکت نفت ایران و انگلیس چون اعتراض را بی‌فایده دید؛ ترجیح داد سکوت کند و در امتیاز مزبور شریک شود.<sup>۲</sup> لرد کدمن که در آن زمان مشاور فنی شرکت نفت ایران و انگلیس بود در پاییز ۱۹۲۱م در طی سفرش به آمریکا با روسای شرکت استاندارد اوپیل وارد مذاکره شد و به آن‌ها فهماند بر طبق امتیاز داری حق انحصار ایجاد لوله نفت به طرف خلیج فارس در انحصار شرکت نفت ایران و انگلیس است و استاندارد اوپیل چاره‌ای ندارد جز اینکه برای جابجایی نفت از شمال ایران یا با دولت شوروی به توافق برسد یا با شرکت نفت ایران و انگلیس به سازش برسد. سرانجام امریکایی‌ها با راه دوم کنار آمدند و در ۳۱ دسامبر ۱۹۲۱ (۱۰ دی ۱۳۰۰) دولت آمریکا [وزارت خارجه] و سفارت انگلیس به توافق رسیدند که نفت شمال ایران را متساویاً تقسیم کنند. توافق فوق اعتراض دولت ایران و مردم و جراید را در پی داشت.<sup>۳</sup>

روزنامه نهضت شرق در تاریخ ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن ۱۳۰۰) می‌نویسد:

«ما اعلام می‌کنیم که تصویب اعطای امتیاز نفت به استاندارد اوپیل [از سوی مجلس شورای ملی] از سر ناآگاهی صورت گرفته است ... ما علناً اعلام می‌کنیم که مردم ایران توافق صورت گرفته با استاندارد اوپیل را باطل می‌دانند. اگر چند نماینده و وکیل سست‌عنصر که قبلاً قرارداد نفتی ایران و انگلیس را امضاء کرده‌اند باز هم جرئت کنند و قرارداد این دو کمپانی را به رسمیت بشناسند، با قدرتی مرکب از جوانان ایثارگر و فعال سروکار خواهند داشت که قادرند زنجیرهایی را که انگلستان بر گردنشان افکنده است پاره کنند. در آن صورت، آن‌گاه ایران کشوری آزاد خواهد

۱. همان جا..

۲. همان، ص ۳۲۳-۳۲۵.

۳. وزیری، نفت و قدرت در ایران، ص ۱۵۶-۱۵۷.

بود.<sup>۱</sup> مجلس شورای ملی در ۲ مارس ۱۹۲۲م (۱۱ اسفند ۱۳۰۰) زیر فشار افکار عمومی از رأی دادن به طرح توافق میان دو شرکت که توسط مورگان شوستر (آمریکایی و مسئول مالیه ایران) تقدیم شده بود خودداری کرد.<sup>۲</sup>

### ۵-۲- سینکلر اویل کمپانی:<sup>۳</sup>

گروهی از وکلای مجلس ایران که موافق ورود یک سرمایه آمریکایی مجهزتر بودند بعد از بحران بوجود آمده، یک شرکت آمریکایی دیگر به نام «شرکت نفت سینکلر» روی کار آوردند. این شرکت با هواداران خود در ایران ارتباط برقرار کرد تا زمینه را به نفع خود تغییر دهد. وقتی زمینه آماده شد در ماه اوت ۱۹۲۲م (۱ مرداد ۱۳۰۰) نماینده شرکت سینکلر راهی تهران شد و شرایط تحصیل امتیاز نفت شمال را به دولت تقدیم نمود.<sup>۴</sup> شرایط تحصیل امتیاز از قرار زیر می‌باشند:

۱- مدت امتیاز بین چهل تا پنجاه سال باشد. ۲- اراضی بایر دولتی که مورد احتیاج امتیاز گیرنده است مجاناً واگذار شود و اراضی دایر دولتی و خصوصی به قیمت عادلانه خریداری شود. ۳- تمام وسایل و امکانات لازمه برای انجام عملیات امتیاز از کلیه حقوق گمرکی و عوارض معاف باشد. ۴- امتیاز گیرنده شرکت یا شرکت‌هایی برای استخراج نفت تشکیل خواهد داد و تعهد می‌کند کلیه سهام شرکت‌های مزبور منحصراً در دست ایرانیان و آمریکاییان باشد و نیز تعهد می‌کند که سهام مزبور را به هیچ دولت یا شرکت خارجی انتقال ندهد و در صورت تخلف امتیاز ملغی باشد. ۵- سایر شرایط امتیاز طبق قانون مربوط به شرکت نفت استاندارد و با توافق طرفین تنظیم گردد.

سرانجام شرکت سینکلر موفق شد در ۲۰ دسامبر ۱۹۲۳م (۲۹ آذر ۱۳۰۲) قراردادی با دولت ایران منعقد کند. به موجب این قرارداد امتیاز استخراج و بهره‌برداری از منابع نفتی ایالت‌های شمال

۱. روزنامه نهضت شرق، شماره ۱۶، جمادی الاخر ۱۳۴۰/۱۳۲۳ و ۱۲/۱۳۰۰ فوریه ۱۹۲۲، سال اول، ص ۱.

۲. وزیری، نفت و قدرت در ایران، ص ۱۵۷-۱۵۸.

3. Sinclair oil company

۴. همان، ص ۱۵۸.

چهار ایالت به کمپانی سینکлер واگذار شد پس از واگذاری امتیاز نفت شمال به کمپانی سینکлер، شرکت نفت ایران و انگلیس، استاندارد اویل و دولت انگلستان مخالفت‌های داخلی ایرانی این شرکت فعالیت‌های دامنه‌داری علیه کمپانی سینکлер شروع کردند.<sup>۱</sup>

از آنجایی که شرکت نفت ایران و انگلیس احداث لوله‌های نفت در تمام خطوط ساحلی خلیج فارس را در اختیار خود داشت، شرکت نفت سینکлер برای آنکه بتواند از عواید نفت شمال بهره‌برداری کند بایستی از لحاظ اقتصادی با اتحاد شوروی به تفاهم رسیده باشد زیرا تنها راه دیگری برای صدور نفت ایران از قلمرو شوروی می‌گذشت روابط شرکت با دولت شوروی حسنه بود ولی در سال ۱۹۲۴م تیره شد و به شرکت سینکله این اجازه را نداد در نتیجه شرکت نتوانست از این امتیاز بهره‌ای ببرد اما از مهم‌ترین دلایل ناکامی این روابط دسیسه‌های پشت پرده دولت بریتانیا و شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکت نفت استاندارد اویل و همچنین عدم توانایی شرکت نفت سینکله در آماده ساختن وام برای دولت ایران تشکیل می‌داد. موقعی که شرکت از صدور نفت ایران مأیوس شد به دولت ایران خبر داد که چون دولت شوروی اجازه نخواهد داد که نفت ایران از طریق شوروی صادر شود از امتیاز صرف نظر می‌کند.<sup>۲</sup>

اما حادثه‌ای که سینکله را به‌طور عمیق از صحنه ایران بیرون کرد حادثه قتل معاون نایب کسول آمریکا در ایران بود در ماه ژوئن ۱۹۲۴ (خرداد ۱۳۰۳) تظاهراتی مذهبی از سوی مردم تهران انجام گرفته بود، نایب کسول آمریکا (ماژور ایلمبری) که به محل تظاهرات رفته بود تا از صحنه عکس‌برداری کند، اما جمعیت که عکس گرفتن را بی‌حرمتی به مقدسات مذهبی می‌دانستند به او حمله کردند و او را کشتند.<sup>۳</sup> به این ترتیب شرکت‌های آمریکایی، هم استاندارد اویل و هم سینکله که دولت آمریکا به شدت از آن‌ها حمایت کرد با دخالت پشت پرده انگلیس هرکدام به

۱. ذوقی، مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران، ص ۱۰۵.

۲. زرنگار، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ ذوقی، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، ص ۱۰۶.

۳. وزیر، نفت و قدرت در ایران، ص ۱۶۱؛ فرخ، خاطرات سیاسی فرخ معتمد السلطنه (تاریخ پنجاه ساله ایران)، ص ۱۸۶؛ هدایت، خاطرات و خطرات مخبر السلطنه، ص ۳۶۳.

طریقی از حوزه نفتی ایران طرد شدند؛ و بدین ترتیب اولین مرحله رقابت بین آمریکا و انگلیس در ایران با شکست ایالات متحده و پیروزی بریتانیا منجر شد.<sup>۱</sup>

### ۵-۳- شرکت آمریکایی امیرانین:<sup>۲</sup>

داور وزیر دارایی وقت در ۱۷ ژانویه ۱۹۳۷ (۲۷ دی ۱۳۱۵)، لایحه قانونی اعطای انحصار اکتشاف، بهره‌برداری و انتقال نفت شرق و شمال شرقی کشور به «شرکت نفت آمریکا و ایران» را برای مدت زمان ۶۰ سال به مجلس تقدیم کرد و مجلس آن را در ۴ فوریه ۱۹۳۷ (۱۵ بهمن ۱۳۱۵) این طرح را تصویب کرد. اولین اقدام شرکت تأسیس یک شرکت حمل و نقل نفت و متخصص در ساخت لوله نفت بنام «شرکت لوله نفت ایران» با کمک «استاندارد اویل» بود که دولت ایران در ۴ فوریه ۱۹۳۷ م (۱۵ بهمن ۱۳۱۵) امتیاز ساخت و حمل و نقل این طرح را به همان «شرکت لوله نفت» واگذار کرد. شرکت آمریکایی امیرانین در سپتامبر ۱۹۳۷ (شهریور ۱۳۱۶) حق استفاده از آب‌های آن کشور به منظور وارد کردن ماشین‌آلات و تجهیزات خود به ایران کسب نمود.<sup>۳</sup>

در مدت زمان سه سال اول اندازه مساحتی که در قرار داد ذکر شده بود شرکت اجازه جستجو برای پیدا کردن نفت را داشت بعد از سه سال بایستی دو ولایت از ولایت شرق یا شمال شرق واقع در حوزه‌ای که در نقشه مذکور تعیین شده بود انتخاب نماید و از یکصد هزار میل مربع که حدود امتیاز آن را تشکیل خواهد داد تجاوز نکند. امتیاز گیرنده حق غیر انحصاری درست کردن و دارا بودن لوله را به خلیج فارس داشت و سایر شرایط امتیاز شبیه به شرایط قرار داد ۱۹۳۳ م که بین ایران و شرکت نفت ایران منعقد شده بود است<sup>۴</sup> با این اوضاع و احوال در ژوئن ۱۹۳۸ م (خرداد ۱۳۱۷) شرکت امیرانین به دولت ایران خبر داد که از اکتشاف نفت شمال صرف نظر

۱. مهدی، بهار، میراث خواراستعمار، ص ۵۵۲.

2. Amiranian oil company

۳. وزیری، نفت و قدرت در ایران، ص ۱۶۳-۱۶۴.

۴. فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۴۲-۳۴۳.

کرده است و خواهان ادامه کار خود نیست، اما شرکت بر این نظر عقیده داشت که در شمال نفت وجود دارد.<sup>۱</sup>

#### ۵-۴- شرکت نفتی استاندارد واکيوم:<sup>۲</sup>

در زمان اشغال ایران در جنگ جهانی اول و در بحبوحه جابه جایی سلطنت از رضاشاه به محمد رضا پهلوی، دولت ایران توجه خاصی به آمریکایی‌ها داشت، لذا خواهان روابط با شرکت‌های آمریکایی بود و دولت محمد علی فروغی بی‌میل نبود که امتیازاتی به آن‌ها بدهد.<sup>۳</sup> بر همین اساس در سال ۱۳۲۱ ه.ش نماینده ایران درباره نفت ایران با کمپانی واکيوم مذاکراتی انجام داد، کمپانی نیز تمایل خود را برای گرفتن امتیاز نفتی در ایران اعلام کرد و رسماً تقاضای امتیاز نفت منطقه بلوچستان را از ایران کرد پس از این جریان نمایندگان شرکت سینکرو و شرکت رویال داچ شل برای گرفتن امتیاز نفت جنوب (منطقه بلوچستان) راهی ایران شد. پس از آگاهی مجلس از کارهای دولت در زمینه نفت، دولت را مورد مؤاخذه قرار داد و در یازدهم آذر ماه ۱۳۲۳ ه.ش قانونی تصویب کرد که بر طبق آن دولت اجازه نداشت در مورد هیچ امتیازی با شرکت‌ها و دول خارجی گفتگو کند.<sup>۴</sup>

در ماه مه ۱۹۳۹ م امتیاز اکتشاف دیگری به یک شرکت هلندی داده شد تا در پنج ایالت شمالی به کاوش و بهره‌برداری نفت به مدت شصت سال پردازد؛ اگر به نفت می‌رسیدند فقط اتباع ایرانی و هلندی بایستی سهام داران این شرکت باشند، در صورتی که سهام در معرض فروش همه گذاشته می‌شد. دولت ایران ۵۰ درصد از منافع خالص را دریافت می‌کرد.<sup>۵</sup>

۱. وزیر، نفت و قدرت در ایران، ص ۱۶۴.

2. Standard vacuum oil company

۳. کاظمی (مهدب الدوله)، یادداشت‌هایی از زندگانی باقر کاظمی از شهریور ۱۳۹۹ تا آخر اسفند ۱۳۰۷ شمسی، ص ۱۱۶.

۴. زرگر، همان، ص ۱۰۶.

۵. شوادران، خاورمیانه نفت و قدرت‌های بزرگ، ص ۸۹.

### نتیجه:

پیشینه وجود نفت در دریای خزر و حوزه‌های نفتی مرتبط با آن، که به نفت شمال تعبیر می‌شود، به سده‌های پیش از دوره معاصر می‌رسد. این حوزه نفتی نیز پهنه‌ای خدادادی برای سرمایه‌گذاری دولت‌های ایرانی بود. همان‌گونه که گذشت رقابت‌های استعماری دو کشور بریتانیا و روسیه بر سر نفوذ در خاورمیانه و ایران موجب بستن قراردادهایی مانند ۱۹۰۷م و ۱۹۱۵م شد. آنان که به دنبال قدرت نوظهور آلمان در پی کم کردن اختلافات خود بودند، از تقسیم ایران به حوزه‌های نفوذ ابایی نداشتند. این دگرگونی‌های در حوزه نفوذ پای انگلستان را به مناطق شمالی که به طور طبیعی حوزه نفوذ روسیه بود، باز می‌کرد. انگلستان تلاش می‌کرد تا نفوذ روسیه و شوروی پسا انقلاب اکتبر، در مناطق نفت خیز کم شود. در جایی که لازم بود نیز از ابزار نظامی برای تأمین امنیت این مناطق و اعلام سهم خواهی خود در این ناحیه استفاده می‌کرد.

دولت ایران که تلاش می‌کرد با ورود کشوری دیگر به عنوان نیروی سوم، خلاء عدم توفیق روس‌ها و نیز کارشکنی انگلستانی‌ها برای اکتشاف و استخراج نفت توسط کمپانی‌ها را فراهم کند. آمریکا و هلند به عنوان کشورهای ثالث در این قضیه به میدان فراخوانده شدند. اما سیاست انگلیسی شرکت‌های نفتی آمریکایی را از شمال تاراند. آمیختگی نقشه‌های سیاسی استعمارگران بزرگ با اهداف اقتصادی آنان، موضوع به ظاهر اقتصادی نفت شمال قربانی توسعه استعماری و تحولات بین‌المللی میان این قدرت‌ها شد. تحولات بین‌المللی مانند ظهور قدرت جدیدی به نام آلمان، اگرچه استعمارگران انگلیس و روسیه را پای میز قراردادهای با یکدیگر نشانده اما از دل این قراردادها آنگاه که پای منافع اقتصادی در میان بود، از هر گونه ابزاری برای ضربه به طرف مقابل بهره می‌گرفتند. وقوع جنگ جهانی بر ارزش نفت در حد یک کالای استراتژیک افزود. هر اندازه این موضوع مهم‌تر می‌شد بر دامنه تلاش برای امتیازگیری از ایران افزوده می‌شد. دربار پوسیده قاجار نیز با هم کاسه شدن با این نقشه‌های استعماری، بجز اتلاف منابع ملی کشور دستاوردی نداشت.

## منابع و مأخذ:

- آبراهامیان، یرواند. *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
- \_\_\_\_\_ . تاریخ ایران مدرن. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس*. ترجمه محمد جواد شیخ الاسلامی. جلد اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۵.
- آوری، پیتر. *تاریخ ایران دوره پهلوی (از مجموعه تاریخ کمبریج)*. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: جامی، ۱۳۹۲.
- اسنادی از امتیاز نفت شمال (۱۳۰۰-۱۳۰۳ ه.ش)*. تهران: سازمان و چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- ایوانف، م. س. *تاریخ ایران نوین*. ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه. بی جا: انتشارات حزب توده، ۱۳۵۶.
- بهار، محمدتقی. *تاریخ احزاب سیاسی ایران انقراض قاجاریه*. جلد دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- بهار، مهدی. *میراث خوار استعمار*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- پورآرین، فؤاد. *انقلاب فراموش شده دولت‌های عصر مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ برنامه‌ها و دشواری‌ها*. تهران: نشر چاپار، ۱۳۸۵.
- ترابی فارسانی، سهیلا. *تجار مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ، ۱۳۸۴.
- تقی‌زاده، حسن. *زندگی طوفانی خاطرات سید حسن تقی‌زاده*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲.
- تیموری، ابراهیم. *عصری خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*. تهران: نشر اقبال، ۱۳۳۳.
- خاطرات سری آبرون ساید، به انضمام ترجمه متن کامل «شاهراه فرماندهی»*، تهران: مؤسسه پژوهش مطالعات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳.
- خلعتبری، عبدالصمد. *تاریخ مختصر زندگانی و خدمات محمد ولیخان خلعتبری*. تهران: فردوسی، ۱۳۲۸.
- ذوقی، ایرج. *مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران*. تهران: انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۵.
- رحمانیان، داریوش. *ایران بین دو کودتا*. تهران: سمت، ۱۳۹۶.

- روزنامه *نهضت شرق*. شماره ۱۱، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۴۰/۵ داو ۱۳۰۰/۲۵ ژانویه ۱۹۲۲.
- زرگر، علی اصغر. *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*. تهران: انتشارات پروین و معین، ۱۳۷۲.
- زبیا کلام، صادق. *رضاشاه*. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۹۸.
- سایکس، سرپرسی. *تاریخ ایران*. ترجمه محمد تقی فخرداعی گیلانی. جلد دوم. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. *گلستان*. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: فراروی، ۱۳۹۲.
- سفیری، فلوریدا. *پلیس جنوب ایران*. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.
- شوادران، بنجامین. *خاورمیانه، نفت و قدرت های بزرگ*. ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۲.
- ضرغام بروجنی، جمشید. *دولت های عصر مشروطیت*. تهران: اداره کل قوانین مجلس شورای ملی، ۱۳۵۰.
- طلوعی، محمود. *بازی قدرت جنگ نفت در خاورمیانه*. تهران: نشر علم، ۱۳۷۱.
- عاقلی، باقر. *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۶.
- علم، مصطفی. *نفت، قدرت و اصول پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد*. ترجمه غلامحسین صالحیار. تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۷.
- غنی، سیروس. *ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیسی ها*. ترجمه حسن کامشاد. تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۷.
- فاتح، مصطفی. *پنجاه سال نفت ایران*. تهران: نشرچهر، ۱۳۳۵.
- فرخ، مهدی. *خاطرات سیاسی فرخ معتصم السلطنه (تاریخ پنجاه ساله ایران)*. تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۴۲.
- فرشادگر، ناصر. *سیری در قراردادهای نفتی ایران*. تهران: انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱.
- فروغی، محمدعلی. *یادداشت های روزانه محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸* *اوت ۱۹۲۰*. به خواستاری ایرج افشار. تهران: سخن، ۱۳۸۴.
- فوران، جان. *مقاومت شکننده*. ترجمه احمد تدین. تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۵.



- فیروز، نصرت الدوله. *از رؤیای پشاهی تا زندان رضا شاهی*. تهران: نشر نامک، ۱۳۷۳.
- کاظمی (مهدب الدوله)، باقر. *یادداشت‌هایی از زندگانی باقر کاظمی از شهریور ۱۲۹۹ تا آخراسفند ۱۳۰۷ شمسی*. جلد دوم، به کوشش داوود کاظمی و منصوره اتحادیه. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰.
- کتاب سبزی‌طرفی ایران*. طهران: مطبعه روشنائی، ۱۳۳۶.
- گارثویت، جن راف. *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری*. ترجمه مه‌راب امیری. تهران: سهند، ۱۳۷۳.
- گراهام، فولر. *قبله عالم ژئوپلتیک ایران*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- گرکانی، منشور. *رقابت شوروی و انگلیس در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۱ خورشیدی*. مقدمه و توضیحات محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: عطایی، ۱۳۶۸.
- لیتن، ویلهلم. *ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹)*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: انتشارات معین، ۱۳۶۷.
- مذاکرات مجلس شورای ملی*. دوره چهارم، بخش نفت، جلسه ۴۳.
- مکی، حسین. *تاریخ بیست ساله ایران*. جلد اول، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- موحد، محمد علی. *نفت ما و مسائل حقوق آن*. چاپ سوم. تهران: نشر خوارزمی، ۱۳۵۷.
- میرترابی، سعید. *مسائل نفت ایران*. تهران: قومس، ۱۳۸۶.
- وزیری، شاهرخ. *نفت و قدرت در ایران*. ترجمه مصطفی ثاقب فر. تهران: انتشارات عطائی، ۱۳۸۰.
- هدایت، مهدی قلی. *خاطرات و خطرات مخبرالسلطنه*. تهران: نشر زوار، ۱۳۴۴.
- یزدانی، سهراب. *کودتاهای ایران*. تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۷.
- یسلسون، ابراهام. *تاریخ روابط سیاسی ایران و آمریکا*. ترجمه محمد باقر آرام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.